

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵

فصل اول: کلیات، چارچوب نظری و مفاهیم

۱. کلیات.....	۲۱
الف) نظریه‌های توسعه سیاسی.....	۲۲
۱) نظریه‌های اقتصادمحور.....	۲۳
۳) نظریه‌های اجتماعمحور.....	۲۵
۳) نظریه‌های سیاستمحور.....	۲۸
۴) نظریه‌های فرهنگمحور.....	۳۲
ب) ارزیابی نظریات توسعه سیاسی.....	۳۵
۲. چارچوب نظری منتخب: در جستجوی یک الگوی بومی و چندوجهی.....	۳۷
الف) چالش‌های فرایندی.....	۴۰
۱) چالش‌های مربوط به ورودی‌های سیستم سیاسی.....	۴۲
۲) چالش‌های عملکردی.....	۴۳

۴۵	چالش‌های توزیعی
۴۵	ب) چالش‌های ارتباطی
۴۸	۱) چالش‌های اقتصاد و سیاست
۵۱	۲) چالش‌های اجتماع و سیاست
۵۳	۳) چالش‌های فرهنگ و سیاست
۵۶	ج) چالش‌های کارگزاری سیاسی
۵۸	۳. مفاهیم
۵۸	الف) چالش
۵۸	ب) پیشرفت (توسعه)
۶۳	ج) توسعه سیاسی
۷۰	نتیجه

فصل دوم: چالش‌های فرایندی توسعه سیاسی

۷۳	۱. چالش‌های ورودی سیستم سیاسی
۷۵	الف) انقلاب اسلامی ایران و افزایش انتظاراتها
۷۶	ب) ضعف جامعه مدنی و نظام حزبی
۸۱	ج) شکاف دولت - جامعه مدنی
۸۹	د) پیامدهای رویکرد انقباضی به توسعه سیاسی: بی‌ثباتی سیاسی و بحران مشارکت
۹۲	۲. چالش‌های عملکردی نظام سیاسی: ضعف پاسخگویی و حکمرانی خوب
۹۳	الف) چالش حکمرانی خوب
۹۳	ب) حکمرانی خوب و توسعه سیاسی
۹۸	ج) شاخص‌های حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب ۷

- ۱۰۰ (د) حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران
- ۱۰۴ (ه) پیامدهای حکمرانی ضعیف: بحران نفوذ و اعتماد
- ۱۰۶ ۳. چالش‌های توزیع قدرت و چندپارگی آن
- ۱۰۸ (الف) چالش‌های اسلامیت - جمهوریت
- ۱۱۲ (ب) چالش‌های قدرت انتصابی - انتخابی
- ۱۱۶ (ج) چالش‌های قدرت انتخابی - انتخابی
- ۱۱۹ (د) پیامدهای بحران توزیع قدرت: بحران نفوذ و تصمیم‌گیری
- ۱۲۱ نتیجه

فصل سوم: چالش‌های ارتباطی توسعه سیاسی

- ۱۲۷ ۱. چالش اقتصاد و سیاست
- ۱۲۹ (الف) ضعف پارادایم توسعه اقتصادی
- ۱۳۷ (ب) تناسب نداشتن نظام‌های ارزشی دو خرده‌سیستم اقتصادی و سیاسی
- ۱۴۰ (ج) توسعه نامتوازن
- ۱۴۳ (د) ضعف ساختار اقتصادی ایران
- ۱۵۱ (ه) اقتدار مردم
- ۱۵۳ ۲. چالش اجتماع - سیاست
- ۱۵۴ (الف) بحران یکپارچگی
- ۱۵۹ (ب) معضلات طبقاتی و اجتماعی
- ۱۶۳ ۳. چالش فرهنگ - سیاست
- ۱۶۵ (الف) فرهنگ سیاسی تبعی
- ۱۶۷ (ب) فرهنگ انقیاد

۱۷۰ (ج) ضعف فرهنگ اعتمادورزی
۱۷۲ (د) فرهنگ ایدئال‌گرا
۱۷۴ (ه) بحران ارزش‌ها و الگوها
۱۷۷ نتیجه

فصل چهارم: چالش‌های کارگزار توسعه سیاسی

۱۸۶ ۱. نداشتن انسجام فکری
۱۸۸ ۲. سطحی‌نگری و نبود تخصص
۱۹۱ ۳. تفکر تقلیدی
۱۹۲ ۴. اجماع نداشتن نخبگان
۱۹۴ ۵. روحیه اقتدارگرایی
۱۹۷ ۶. استثناگرایی
۱۹۹ ۷. تردید کارگزاران در پیشبرد امر توسعه سیاسی
۲۰۲ ۸. چالش‌های تعهد و تخصص
۲۰۴ نتیجه

۲۰۷ **برایند**

۲۰۸ ۱. چالش‌های فرایندی
۲۰۸ الف) چالش‌های ورودی‌های سیستم
۲۰۹ ب) چالش‌های عملکردی
۲۱۰ ج) چالش‌های توزیع قدرت
۲۱۲ ۲. چالش‌های ارتباطی بین خرده‌سیستم‌ها

۲۱۳ الف) چالش اقتصاد - سیاست
۲۱۴ ب) چالش اجتماع - سیاست
۲۱۵ ج) چالش فرهنگ - سیاست
۲۱۶ ۳. چالش کارگزار

پیشنهادهای پژوهش..... ۲۱۹

۲۱۹ ۱. استفاده بهینه و جامع از قانون اساسی
۲۲۰ ۲. بازخوانی حقوق ملت در قانون اساسی
۲۲۰ ۳. افزایش دربرگیرندگی نظام
۲۲۱ ۴. تقویت جوان‌گرایی و شایسته‌سالاری به جای خاندان‌سالاری
۲۲۲ ۵. بازخوانی مجدد انقلاب و اهداف آن
۲۲۳ ۶. آموزش سیاسی
۲۲۴ ۷. تقویت ملی‌گرایی
۲۲۴ ۸. ایجاد هماهنگی ارزشی و نهادی در امر توسعه سیاسی
۲۲۵ ۹. کاهش تنش با محیط پیرامون
۲۲۵ ۱۰. اجرای پژوهش‌های نظری - کاربردی

کتابنامه..... ۲۲۷

نمایه‌ها

۲۳۷ موضوعات
۲۷۱ اعلام و مشاهیر

۲۷۵	کتاب‌ها
۲۷۶	مکان‌ها
۲۷۸	تئالگان

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارد.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان براساس نص اسلامی و لازمه تحقق این هدف تربیت اندیشمندان فراوان و تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود. در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثار مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی به

جامعه علمی عرضه کرده است؛ از آن جمله به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام می‌توان اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی برای اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها، خدمات علمی مؤثری در اختیار بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه قرار دهد.

در این کتاب تلاش شد تصویری عمومی و کلی از چالش‌های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ترسیم شود. در این راستا از قابلیت‌های نظریه سیستمی در کنار توجه به عاملیت و کارگزار استفاده شد تا با فهم و تبیین عوامل ساختاری، همزمان به نقش عاملیت انسانی در روند توسعه سیاسی نیز ورود شود. این راهکار تا حدی می‌تواند عوامل چالش‌زا را از سطوح تحلیل مختلف استخراج و تصویری عمومی از وضعیت توسعه سیاسی در ایران بازنمایی کند. کتاب حاضر برای بهره‌مندی دانشجویان عزیز و طلاب محترم علوم دینی تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های نویسندگان محترم حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدمحمدتقی آل‌غفور و دکتر راضیه مهرابی کوشکی، همکار پژوهشی و ویراستار علمی دکتر سیدسجاد آل‌سیدغفور، ناظر ارجمند دکتر سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، ارزیابان محترم حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی، دکتر سیداحمد موثقی گیلانی و دکتر علی اکبری معلم و مدیر محترم امور پژوهشی دکتر محمود فلاح و تمام مسئولان نشر، همچنین از رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک‌زایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در

به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه برای آماده‌سازی و چاپ این اثر تشکر و قدردانی می‌شود. این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

مختار شیخ‌حسینی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

هر نوع تغییر اجتماعی ای از طریق بازتولید ساختارها، نهادها، مهارت‌ها و انگاره‌های ذهنی و در طول زمان رخ می‌دهد و نظام‌های اجتماعی پویا و توسعه‌خواه آن را نه با تقدیر، بلکه با اراده تدبیر مدیریت می‌کنند؛ به عبارت دیگر تغییر اجتماعی زمانی همنشین مفهوم توسعه است که نه صرفاً به توالی حوادث و جریان‌های تاریخی سپرده شود و نه بر کنش‌های فردی پادشاهان، رهبران و دولتمردان متکی گردد؛ بلکه توسعه از جمله توسعه سیاسی نیازمند فرایندهای درون‌زادی است که هوشمندانه به تولید و بازطراحی الگوهای ثابت تغییر در نظم اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... هدایت شوند. این مهم نیازمند شناخت کافی از عناصر بازدارنده، روندهای پسرونده و نیز عوامل ذهنی و ساختاری ای است که پویایی اجتماعی را به ایستایی دعوت می‌نماید. شناخت و تبیین چالش‌های توسعه سیاسی یکی از این حوزه‌های مطالعاتی است که با توجه به گذشت بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی ایران و طراحی نظام مردم‌سالاری دینی نیازمند بازخوانی و درک عمیق می‌باشد.

آنچه پرداختن به چالش‌های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی را ضروری ساخته است، کمبود مطالعات و تبیین‌های چندبعدی است. تاکنون توسعه سیاسی را امری پسینی برخاسته از تحولات اقتصادی یا فرهنگی دانسته یا از زاویه‌ای

محدود به موضوع چالش‌های توسعه سیاسی پرداخته‌اند؛ لذا تصویری کلی و چندبعدی در این خصوص کمتر وجود دارد و رسالت این تحقیق بررسی این موضوعات است: توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با چه چالش‌هایی روبروست و چگونه می‌توان بر این چالش‌ها فایز آمد؟ آیا ریشه‌های معضلات توسعه سیاسی در ایران را در مسائل اقتصادی باید پیگیری نمود که با رسیدن به میزانی از رشد و توسعه در اقتصاد خودبخود معضل توسعه‌یافتگی از جمله توسعه سیاسی حل می‌شود و به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌ها برای شاخص‌های سیاسی نباید ارزشی قایل شد؟ آیا توسعه سیاسی ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد یا چالش‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی محدود به معضلات خود ساختار و نظم سیاسی مستقر است؟

از نظر این تحقیق، توسعه‌ی سیاسی در ایران مانند سایر کشورها، جریان‌ی چندبعدی است و تأثیرات متقابل و پیچیده متغیرهای مختلفی در تقویت یا تضعیف آن دخالت دارند. اما چگونه می‌توان ضمن پرداختن به متغیرهای عمده با عمق مناسب، عوامل دخیل را بررسی نمود؟ این مهم نیازمند اتخاذ چارچوب تحلیلی‌ای است که بتواند بیشترین زوایای ممکن را بازنمایی کند؛ بدین معنا که علاوه بر عوامل سیاسی به عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز توجه کرده، نقش عاملیت (کارگزار) را نیز بررسی نماید؛ زیرا اساساً توسعه سیاسی معطوف به مطلوبیت‌هایی است که در سیستم اجتماعی نهادینه گردد و با اراده و خواست نخبگان توسعه خواه اجرا شود.

چارچوب‌های تحلیل متداول اغلب دچار تقلیل‌گرایی هستند. هرچند آنها دقت و جزئیات بیشتری را از یک زاویه خاص گزارش می‌دهند، در عمل نمی‌توانند چشم‌انداز واضح و دقیق و همه‌جانبه‌ای از توسعه سیاسی در یک جامعه

معین نشان دهند. برخی نظریات نیز به رابطه یکسویه پدیده‌ها توجه دارند؛ درحالی‌که لازم است اثرگذاری متقابل آنها (مسیر رفت و برگشتی) تبیین گردد و پژوهش‌ها از روابط تک‌خطی علت و معلولی خارج شود و به رابطه مبادله‌گونه موجود توجه نماید. البته ادبیات متأخر در حوزه توسعه سیاسی به این موضوع توجه داشته و بسیاری از آثار برجسته در این خصوص تلاش کرده‌اند با اتخاذ چشم‌انداز چندوجهی، مسئله توسعه سیاسی را از زوایای بیشتری مورد تدقیق علمی قرار دهند. رویکردهای تلفیقی متأخر را در آثار هانتینگتون و لوسین پای می‌توان ملاحظه نمود.

در این فرصت با اتخاذ رویکردی تلفیقی و کم‌سابقه و با استفاده از نظریه سیستمی و توسعه و ترکیب آن با رویکرد کارگزار، تحلیل‌ها و داده‌های تاریخی پس از انقلاب به چارچوبی تکیه می‌شود که تصویر مناسبی برای رصد عوامل دخیل و تعامل میان آنها بازنمایی کند؛ از این جهت چارچوب نظری با استفاده از گزاره‌های بنیادین جامعه‌شناسی کارکردگرایی - ساختاری و تلاش‌های علمی امیل دورکیم، تالکوت پارسونز و دیوید ایستون، آلموند، پاول و نیکلاس لومان سازماندهی می‌شود و با امتزاج با رویکرد گیدنز در الحاق متغیر کارگزار به ساختارگرایی تلاش دارد منظری چندبعدی از توسعه سیاسی در ایران و چالش‌های آن به دست دهد. در فصل نخست در کنار تبیین مفاهیم بر این مهم تمرکز می‌شود و با توجه به چارچوب طراحی شده، سه کلان‌چالش در سه فصل بعدی بررسی می‌گردد؛ به این ترتیب که نخستین چالش‌ها در حوزه توسعه سیاسی متوجه خود نظام سیاسی و فرایند جاری میان نهاده‌ها یا ورودی‌های نظام سیاسی، مکانیسم تصمیم‌گیری و داده‌ها و بازخوردهاست، دومین دسته از چالش‌ها مربوط به کارگزار سیاسی و سومین آن نیز مربوط به عدم تناظر یا تجانس و هماهنگی

سیستم‌های فرعی با سیستم سیاسی به لحاظ ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نقش‌ها، انتظارات و کارکردهای هر خرده‌نظام است.

در یک نمای دقیق‌تر باید گفت فصل دوم به چالش‌های فرایندی موجود در سیستم سیاسی پرداخته و هر گونه اختلال در فرایند نهاد-داده را که مانع توسعه سیاسی و گسترش مردم‌سالاری به صورت مشروعیت و مشارکت سیاسی خواهد شد، بازنمایی کرده است. این چالش در ورودی نهاده‌ها، نهادهای تصمیم‌گیرنده و مرحله تبدیل داده‌ها به بازخورد دیده می‌شود. در این فرایند به معضلات و مقولاتی چون ضعف جامعه مدنی و سیستم حزبی، شکاف دولت و جامعه مدنی، ضعف حکمرانی خوب و پاسخگویی و پیامدهای آن بر ثبات سیاسی و چالش توزیع قدرت و چندپارگی‌های موجود پرداخته شده است.

در فصل سوم نقش عاملیت یا کارگزار سیاسی در حکم یک مانع ذهنی و عینی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران مطالعه شده است. ابتدا به سطحی‌نگری، تفکر تقلیدی، عدم اجماع‌نخبگان، روحیه اقتدارگرایی، استثنانگاری و تذبذب در امر توسعه سیاسی مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که مانع سرریزی ایده‌های مربوط به مردم‌سالاری دینی به میدان عمل می‌شود. اساساً نخبه ایرانی انباشتی از افکار گوناگون در باب توسعه را فراگرفته یا ایده‌های بومی منحصربه‌فردی در میدان نظر پروراندده است که نظم سیاسی را به سوی مشارکت فعال سیاسی و مردم‌سالاری سامان دهد؛ حتی گاهی به چالش‌ها و نواقص زندگی سیاسی خود نیز اشراف دارد؛ لیکن پا را فراتر نگذاشته، در مرحله پراکسیس و اقدام جمعی متوقف می‌شود یا حرکت مؤثری را دنبال نمی‌کند. تبیین این وضعیت در این فصل بازخوانی شده است.

فصل چهارم نیز به کلان‌چالش‌های ارتباطی میان سیستم سیاسی و دیگر خرده‌نظام‌های نظام اجتماعی در سه گفتار پرداخته است. نگاه سیستمی می‌تواند متغیرهای متنوعی را در ارتباط با چالش‌های توسعه سیاسی تشخیص دهد. یک دسته مهم از این متغیرها از عوامل خارج از سیستم سیاسی نشئت گرفته و حاصل تعامل متقابل سیستم سیاسی با دیگر سیستم‌های اجتماعی است. در گفتار اول این فصل به چالش‌های رابطه سیستم اقتصادی با سیستم سیاسی پرداخته می‌شود و نقش عواملی همچون ضعف پارادایم توسعه اقتصادی، تناسب‌نداشتن نظام‌های ارزشی دو خرده‌سیستم و توسعه نامتوازن پرننگ می‌گردد. گفتار دوم چالش‌های ارتباطی دو بخش اجتماع و سیاست به لحاظ بحران یکپارچگی و معضلات طبقاتی و اجتماعی را تحلیل نموده و در گفتار پایانی این فصل، فرهنگ سیاسی تبعی، ضعف فرهنگ اعتماددورزی، فرهنگ ایدئال‌گرایی و بحران ارزش‌ها و الگوها (مقولات اختلالی در رابطه دو خرده‌سیستم سیاست و فرهنگ) بازنمایی شده است.

به این ترتیب تلاش می‌شود با تحلیل داده‌های تاریخی موجود در چهل سال اخیر و نیز تحلیل مضمون‌مصاحبه‌ها با خبرگان این حوزه، تصویری از معضلات و چالش‌های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی تبیین شود که همزمان به چالش‌های فرایندی موجود در داخل سیستم سیاسی، چالش کارگزار سیاسی و نیز چالش‌های مربوط به اختلال رابطه خرده‌سیستم‌های اقتصاد، اجتماع و فرهنگ با خرده‌سیستم سیاسی توجه نماید.

در تحقق تلاش فوق از همکاری مصطفی خالقی‌پور که با مصاحبه‌های تخصصی و جمع‌آوری آرای استادان محترم در حوزه توسعه سیاسی در غنای محتوایی این پژوهش اثرگذار بوده‌اند، تشکر می‌شود. در فرجام کار نیز متناسب با

چالش‌های احصاشده پیشنهادها و راهکارهایی مطرح خواهد شد که بخش مهمی از آنها حاصل دیدگاه‌های صاحب‌نظران و استادان بنام کشور است که صمیمانه سپاسگزار همکاری ایشان هستیم.

سید محمدتقی آل غفور

راضیه مهرابی کوشکی

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری

فصل اول

کلیات، چارچوب نظری و مفاهیم

در این فصل ابتدا به توضیح کلیات از قبیل طرح و دسته‌بندی برخی نظریه‌های مختلف توسعه سیاسی و ارزیابی آنها مبادرت شده، سپس چارچوب نظری که ترکیبی از نظریه سیستمی به صورت کلان و فراگیر می‌باشد، با لحاظ تحولات آن طرح شده است و در نهایت مفاهیم اساسی تعریف شده‌اند.

۱. کلیات

در قلمرو تغییرات اجتماعی، توجه توأمان به نظر و عمل و درآمیختن دانش و کنش اجتناب‌ناپذیر است. دانش معطوف به بررسی تحولات علمی مرتبط با موضوع و کنش، مجموعه‌الگوهای رفتاری پیش‌برنده یا پس‌رونده‌ای است که پدیده‌ها و فرایندها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دقت عالمانه در نظریات و منظرگاه‌های موجود، فهرست راهنمایی پیش‌روی محققان می‌گذارد تا ضمن اجتناب از پراکنده‌گویی، گام‌های نو و زوایای جدیدی از موضوع فهم و تبیین گردد. از آنجاکه این پژوهش به بررسی وضعیت توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، این فصل مباحث مفهومی و تمهیدات نظری لازم (کلیات، چارچوب